



بررسی موانع توسعه روابط سیاسی اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر (فرصت‌ها و چالش‌ها)

علی شیاری^۱، احمد حسن عمر عمر^۲

چکیده:

روابط ایران و عراق در دهه اخیر به‌عنوان یکی از مهم‌ترین روابط دوجانبه در خاورمیانه، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل سیاسی، اقتصادی، امنیتی و بین‌المللی قرار داشته است. علی‌رغم وجود پیوندهای تاریخی، مذهبی و فرهنگی و همچنین سطح بالای تعاملات سیاسی، توسعه روابط اقتصادی دو کشور متناسب با ظرفیت‌های موجود پیش نرفته است. با وجود زمینه‌های مثبت و ظرفیت‌های قابل توجه، واقعیت آن است که سطح روابط اقتصادی ایران و عراق هنوز با ظرفیت‌های بالقوه و انتظارات موجود فاصله معناداری دارد. هدف مقاله حاضر بررسی فرصت‌ها و چالش‌های توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها به‌صورت اسنادی و کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در کنار فرصت‌های قابل توجه اقتصادی و سیاسی، عواملی همچون بی‌ثباتی سیاسی عراق، فشارهای بین‌المللی به‌ویژه تحریم‌های آمریکا علیه ایران، رقابت بازیگران منطقه‌ای و ضعف ساختارهای نهادی، مهم‌ترین موانع توسعه روابط دوجانبه به‌شمار می‌روند.

واژگان اصلی: ایران، عراق، روابط سیاسی، اقتصادی، دیپلماسی، تحریم‌ها.

۱. استادیار گروه آموزشی علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران (نویسنده مسئول)

alishiyari@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

مقدمه

در جهان امروز، توسعه اقتصادی به یکی از محوری‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و سیاست‌گذاران تبدیل شده است و به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اصلی قدرت ملی، نقش تعیین‌کننده‌ای در ارتقای جایگاه کشورها در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی ایفا می‌کند. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که توسعه اقتصادی، به‌ویژه در شرایط اقتصاد جهانی شده، به‌طور مستقیم با گسترش تجارت خارجی و تعاملات اقتصادی فرامرزی پیوند خورده است؛ به‌گونه‌ای که اتکا صرف به بازار داخلی، امکان تحقق رشد پایدار و افزایش سطح رفاه عمومی را با محدودیت‌های جدی مواجه می‌سازد. از این رو، دستیابی به تراز تجاری مثبت و افزایش صادرات غیرنفتی، از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت کشورها در مسیر توسعه اقتصادی و تقویت نقش‌آفرینی بین‌المللی محسوب می‌شود. در همین چارچوب، توسعه اقتصادی جمهوری اسلامی ایران نیز ناگزیر از توجه ویژه به مقوله صادرات و بهره‌گیری هدفمند از ظرفیت‌های تجارت خارجی است. افزایش صادرات و پیشی گرفتن آن از واردات، نه‌تنها می‌تواند زمینه‌ساز رشد اقتصادی و اشتغال‌زایی باشد، بلکه جایگاه ایران را در معادلات اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای نیز ارتقا می‌بخشد. در این مسیر، یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های پیش‌روی ایران، بهره‌گیری از پتانسیل روابط اقتصادی با کشورهای همسایه است؛ کشورهایی که به دلیل مجاورت جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی و کاهش هزینه‌های مبادله، از مزیت‌های قابل توجهی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی برخوردارند.

جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از موقعیت ژئوپلیتیکی ویژه و همسایگی با تعداد قابل توجهی از کشورها، ظرفیت بالقوه بالایی برای گسترش روابط اقتصادی منطقه‌ای دارد. در میان این همسایگان، عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین و راهبردی‌ترین شرکای منطقه‌ای ایران، جایگاه ویژه‌ای در سیاست خارجی و دیپلماسی اقتصادی کشور یافته است. به‌ویژه پس از سقوط رژیم صدام حسین، روابط ایران و عراق در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی، مذهبی و اقتصادی روندی رو به گسترش را تجربه کرده است. افزون بر این، حمایت سیاسی و امنیتی ایران از دولت و ملت عراق در دوره مقابله با تهدید گروه تروریستی داعش، موجب تقویت سطح اعتماد سیاسی و نزدیکی راهبردی میان دو کشور شده است.

با وجود این زمینه‌های مثبت و ظرفیت‌های قابل توجه، واقعیت آن است که سطح روابط اقتصادی ایران و عراق هنوز با ظرفیت‌های بالقوه و انتظارات موجود فاصله معناداری دارد. این وضعیت، پرسش اساسی مقاله حاضر را شکل می‌دهد: در مسیر تحقق توسعه روابط سیاسی -

اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر، چه فرصت‌ها و چه چالش‌هایی پیش‌روی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد؟ فرضیه اصلی مقاله بر این اساس استوار است که اگرچه ایران از فرصت‌های اقتصادی مهمی در عراق برخوردار است، اما مجموعه‌ای از موانع و چالش‌های سیاسی، امنیتی، ساختاری و بین‌المللی، مانع از بهره‌برداری کامل و مؤثر از این ظرفیت‌ها شده است.

چارچوب نظری و مفهومی پژوهش

تحلیل روابط سیاسی-اقتصادی میان کشورها در نظام بین‌الملل معاصر، مستلزم بهره‌گیری از چارچوب‌های نظری است که بتواند هم‌زمان ابعاد سیاسی، اقتصادی و ساختاری این روابط را تبیین کند. در دهه‌های اخیر، رویکردهای صرفاً امنیت‌محور در تبیین سیاست خارجی کشورها، به‌ویژه در مناطق پیچیده‌ای همچون خاورمیانه، با محدودیت‌های جدی مواجه شده‌اند. روابط ایران و عراق نیز از جمله روابطی است که صرفاً از منظر امنیتی یا ایدئولوژیک قابل تحلیل نیست، بلکه در بستر شبکه‌ای از تعاملات اقتصادی، فشارهای بین‌المللی، رقابت‌های منطقه‌ای و الزامات توسعه اقتصادی شکل گرفته است. از این رو، چارچوب نظری پژوهش حاضر بر این پیش‌فرض استوار است که موانع توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق را باید در پیوند میان ساختار نظام بین‌الملل، منافع ملی، و کارکرد دیپلماسی اقتصادی بررسی کرد. چنین نگاهی امکان تحلیل واقع‌گرایانه‌تری از فرصت‌ها و چالش‌های پیش‌روی دو کشور فراهم می‌آورد (دامن‌پاک جامی، ۱۳۸۸: ۲۲). نظریه محوری مورد استفاده در این پژوهش، نظریه «وابستگی متقابل پیچیده» است که توسط رابرت کیوهان و جوزف نای مطرح شده است. این نظریه با نقد رویکرد رئالیستی کلاسیک، بر این نکته تأکید دارد که روابط میان دولت‌ها صرفاً در قالب تعارضات امنیتی و نظامی قابل فهم نیست، بلکه شبکه‌ای از روابط اقتصادی، نهادی و اجتماعی، الگوی تعامل میان کشورها را شکل می‌دهد (رشنو، ۱۳۹۲: ۱۰). بر اساس این نظریه، افزایش تعاملات اقتصادی و تجاری می‌تواند سطح وابستگی متقابل میان کشورها را افزایش داده و هزینه‌های تقابل سیاسی را بالا ببرد. در چارچوب روابط ایران و عراق، وابستگی متقابل اقتصادی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای کاهش تنش‌ها و تعمیق همکاری‌های سیاسی عمل کند، اما در عین حال، وجود محدودیت‌های ساختاری می‌تواند مانع تحقق کامل این وابستگی شود.

در کنار نظریه وابستگی متقابل پیچیده، مفهوم «دیپلماسی اقتصادی» به‌عنوان چارچوب مفهومی مکمل در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. دیپلماسی اقتصادی به مجموعه سیاست‌ها، راهبردها و اقداماتی اطلاق می‌شود که دولت‌ها با هدف تأمین منافع اقتصادی خود در عرصه بین‌المللی به کار می‌گیرند. این مفهوم بر پیوند مستقیم سیاست خارجی و اقتصاد ملی تأکید دارد و نقش دولت را در تسهیل تجارت خارجی، جذب سرمایه‌گذاری و مدیریت روابط اقتصادی خارجی برجسته می‌سازد. در روابط ایران و عراق، دیپلماسی اقتصادی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تبدیل روابط سیاسی و امنیتی به همکاری‌های پایدار اقتصادی عمل کند. با این حال، ناکارآمدی یا ضعف در دیپلماسی اقتصادی، می‌تواند یکی از مهم‌ترین موانع توسعه روابط دوجانبه تلقی شود (حیدری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۳).

از منظر مفهومی، «روابط سیاسی-اقتصادی» در این پژوهش به مجموعه تعاملات رسمی و غیررسمی میان دولت‌ها در حوزه‌های سیاست، تجارت، انرژی، سرمایه‌گذاری و همکاری‌های نهادی اطلاق می‌شود. این مفهوم بر این نکته تأکید دارد که سیاست و اقتصاد در عرصه بین‌المللی به‌طور جدایی‌ناپذیر به یکدیگر وابسته‌اند. در مورد ایران و عراق، تصمیمات سیاسی دولت‌ها به‌طور مستقیم بر حجم و جهت روابط اقتصادی تأثیر می‌گذارد و متقابلاً وابستگی‌های اقتصادی می‌تواند بر رفتار سیاسی دو کشور اثرگذار باشد (حافظ‌نیا و همکاران، ۱۳۹۳: ۳۹). از این رو، بررسی موانع توسعه روابط سیاسی-اقتصادی مستلزم تحلیل هم‌زمان هر دو بعد است، نه تمرکز صرف بر یکی از آن‌ها. مفهوم «مانع» در این پژوهش، به هرگونه عامل ساختاری، سیاسی، اقتصادی، امنیتی یا بین‌المللی اطلاق می‌شود که موجب کندی، محدودسازی یا اختلال در روند توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق می‌گردد. این موانع می‌توانند منشأ داخلی داشته باشند، مانند ضعف ساختارهای نهادی یا بی‌ثباتی سیاسی، یا منشأ خارجی داشته باشند، مانند فشارهای بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی. چارچوب نظری پژوهش بر این فرض استوار است که موانع توسعه روابط ایران و عراق نه تنها ناشی از اراده سیاسی دو کشور، بلکه نتیجه برهم‌کنش پیچیده عوامل داخلی و خارجی است که در بستر نظام بین‌الملل شکل می‌گیرد. در سطح نظام بین‌الملل، نظریه وابستگی متقابل پیچیده امکان تحلیل نقش بازیگران ثالث را در روابط ایران و عراق فراهم می‌سازد. بر اساس این نظریه، روابط دوجانبه کشورها همواره تحت تأثیر کنش و واکنش سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار دارد. در مورد ایران و عراق، ایالات متحده آمریکا، ترکیه و برخی

کشورهای عربی از جمله بازیگرانی هستند که با استفاده از ابزارهای سیاسی و اقتصادی، بر جهت‌گیری روابط بغداد و تهران تأثیر می‌گذارند. تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و فشارهای سیاسی بر دولت عراق، نمونه‌ای از موانع ساختاری است که در چارچوب این نظریه قابل تبیین است. مفهوم «فرصت» در چارچوب مفهومی این پژوهش، به ظرفیت‌ها و شرایطی اطلاق می‌شود که می‌تواند زمینه‌ساز توسعه و تعمیق روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق باشد. این فرصت‌ها شامل اشتراکات فرهنگی و مذهبی، هم‌مرزی جغرافیایی، نیازهای اقتصادی عراق، و ظرفیت‌های صادراتی ایران است. نظریه وابستگی متقابل پیچیده بر این نکته تأکید دارد که بهره‌برداری مؤثر از این فرصت‌ها می‌تواند سطح تعاملات اقتصادی را افزایش داده و در نهایت به تثبیت روابط سیاسی منجر شود. با این حال، تحقق این فرصت‌ها نیازمند مدیریت مؤثر چالش‌ها و موانع موجود است (دامن‌پاک جامی، ۱۳۸۸: ۵).

بر اساس چارچوب نظری پژوهش، توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق تابعی از میزان هماهنگی میان سیاست خارجی و اهداف اقتصادی دو کشور است. در صورتی که دیپلماسی اقتصادی به‌صورت هدفمند و راهبردی دنبال نشود، حتی وجود روابط سیاسی مثبت نیز نمی‌تواند به توسعه پایدار اقتصادی منجر شود. از این منظر، ضعف در نهادسازی اقتصادی، نبود سازوکارهای مالی کارآمد و فقدان راهبرد بلندمدت همکاری، به‌عنوان موانع مهم در مسیر توسعه روابط دوجانبه تلقی می‌شوند. این تحلیل، پیوند مستقیمی میان نظریه وابستگی متقابل و مفهوم دیپلماسی اقتصادی برقرار می‌سازد.

پیشینه و روند روابط سیاسی - اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر

روابط ایران و عراق به‌عنوان دو کشور همسایه با پیوندهای تاریخی، فرهنگی و مذهبی عمیق، همواره یکی از مهم‌ترین محورهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران محسوب شده است. پس از سقوط رژیم صدام حسین در سال ۲۰۰۳، فصل جدیدی در روابط دوجانبه تهران و بغداد آغاز شد که مبتنی بر تعامل، همکاری و کاهش تنش‌های تاریخی بود. در دهه اخیر، این روابط در بستر تحولات امنیتی، سیاسی و اقتصادی منطقه خاورمیانه شکل گرفته و دستخوش تغییرات متعددی شده است. عراق که پس از سال‌ها جنگ و بی‌ثباتی سیاسی وارد مرحله دولت‌سازی و بازسازی اقتصادی شده بود، به یکی از مهم‌ترین عرصه‌های حضور و تأثیرگذاری

ایران تبدیل شد. در این دوره، روابط سیاسی دو کشور به تدریج از سطح همکاری‌های محدود عبور کرده و به تعاملات راهبردی در حوزه‌های امنیتی، اقتصادی و منطقه‌ای گسترش یافت (موسوی شفاپی و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴).

در بعد سیاسی، دهه اخیر شاهد افزایش سطح تماس‌ها و تعاملات رسمی میان مقامات عالی‌رتبه ایران و عراق بوده است. سفرهای متقابل رؤسای جمهور، نخست‌وزیران، وزرای خارجه و دیگر مقامات ارشد دو کشور، نشان‌دهنده اهمیت عراق در معادلات سیاست خارجی ایران و بالعکس بوده است. ایران در این دوره تلاش کرده است با حمایت از روندهای سیاسی قانونی در عراق، نقش فعالی در ثبات سیاسی این کشور ایفا کند. حمایت از فرآیندهای انتخاباتی، تشکیل دولت‌های ائتلافی و تقویت نهادهای حاکمیتی عراق، بخشی از سیاست ایران در قبال بغداد بوده است. این رویکرد سیاسی، زمینه‌ساز گسترش همکاری‌های اقتصادی و افزایش سطح اعتماد سیاسی میان دو کشور شده، هرچند همواره با مخالفت‌ها و فشارهای بازیگران خارجی همراه بوده است. یکی از نقاط عطف روابط سیاسی-امنیتی ایران و عراق در دهه اخیر، همکاری دو کشور در مقابله با تهدید گروه تروریستی داعش بوده است. ظهور داعش در سال ۲۰۱۴ و تهدید مستقیم امنیت ملی عراق، موجب نزدیکی بی‌سابقه تهران و بغداد شد. جمهوری اسلامی ایران در این مقطع، با ارائه حمایت‌های مستشاری، سیاسی و لجستیکی، نقش مؤثری در تقویت توان دولت عراق برای مقابله با این تهدید ایفا کرد (سمیعی‌نسب، ۱۳۹۴: ۶). این همکاری امنیتی، نه تنها موجب ارتقای سطح اعتماد میان دو کشور شد، بلکه به تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان یکی از بازیگران تأثیرگذار در معادلات عراق انجامید. پیامد این همکاری، گسترش نفوذ سیاسی ایران و فراهم شدن زمینه‌های جدید برای توسعه روابط اقتصادی در دوره پساداعش بود.

در حوزه اقتصادی، دهه اخیر شاهد رشد قابل توجه حجم مبادلات تجاری میان ایران و عراق بوده است، به‌گونه‌ای که عراق به یکی از مهم‌ترین مقاصد صادرات غیرنفتی ایران تبدیل شده است. صادرات کالاهای مصرفی، مواد غذایی، محصولات صنعتی، خدمات فنی و مهندسی و به‌ویژه انرژی، بخش عمده‌ای از روابط اقتصادی دو کشور را تشکیل داده است. نیاز گسترده عراق به بازسازی زیرساخت‌ها، کمبود تولید داخلی و وابستگی به واردات، فرصت مناسبی برای حضور اقتصادی ایران فراهم کرده است. در مقابل، بازار عراق برای ایران، به‌ویژه در شرایط تحریم‌های

بین‌المللی، اهمیت راهبردی یافته و به‌عنوان یکی از مسیرهای کاهش فشارهای اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۷).

با وجود رشد نسبی روابط اقتصادی، روند توسعه این روابط همواره با نوسانات و محدودیت‌هایی همراه بوده است. نبود زیرساخت‌های مالی و بانکی پایدار، مشکلات مربوط به انتقال پول، ضعف قراردادهای بلندمدت و نبود چارچوب‌های حقوقی شفاف، از جمله موانع ساختاری روابط اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر بوده است. علاوه بر این، بی‌ثباتی سیاسی و امنیتی در برخی مناطق عراق، موجب کاهش اطمینان فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران ایرانی شده است. این عوامل سبب شده‌اند که روابط اقتصادی دو کشور بیشتر ماهیتی کوتاه‌مدت و تجاری داشته باشد و کمتر به سمت سرمایه‌گذاری‌های پایدار و راهبردی حرکت کند. در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی، روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر تحت تأثیر رقابت و مداخله بازیگران خارجی قرار داشته است. ایالات متحده آمریکا با اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران و فشار بر دولت عراق برای کاهش همکاری‌های اقتصادی با تهران، نقش مهمی در محدودسازی روابط دوجانبه ایفا کرده است. در کنار آمریکا، رقابت کشورهای نظیر ترکیه و عربستان سعودی در بازار عراق، فضای رقابتی شدیدی ایجاد کرده که سهم ایران را در برخی حوزه‌ها کاهش داده است. این رقابت‌ها نشان می‌دهد که روابط ایران و عراق نه تنها تابع اراده دو کشور، بلکه متأثر از ساختار قدرت در نظام منطقه‌ای و بین‌المللی است.

فرصت‌های توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق

ظرفیت‌های سیاسی و دیپلماتیک در روابط دوجانبه

روابط سیاسی میان ایران و عراق در دهه اخیر از سطح تعاملات معمول دیپلماتیک فراتر رفته و به یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های سیاست خارجی دو کشور تبدیل شده است. پس از سقوط رژیم صدام حسین، ایران تلاش کرده است با حمایت از فرآیندهای سیاسی و قانونی در عراق، به تثبیت ساختار دولت و تقویت حاکمیت ملی این کشور کمک کند. این رویکرد موجب افزایش سطح اعتماد سیاسی میان دو دولت شده و بستر مناسبی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی فراهم کرده است. وجود کانال‌های ارتباطی گسترده میان نخبگان سیاسی، احزاب و جریان‌های تأثیرگذار در عراق، فرصتی مهم برای هماهنگی سیاسی و حل و فصل اختلافات احتمالی به‌صورت مسالمت‌آمیز

ایجاد کرده است. این ظرفیت سیاسی، در صورت بهره‌برداری صحیح، می‌تواند به تقویت دیپلماسی اقتصادی و گسترش همکاری‌های اقتصادی دوجانبه منجر شود (یعقوبی منظری، ۱۳۸۹: ۸). افزون بر این، جایگاه عراق در سیاست منطقه‌ای ایران و نقش ایران در معادلات داخلی و خارجی عراق، موجب شده است که روابط سیاسی دو کشور ماهیتی راهبردی به خود بگیرد. همکاری‌های سیاسی در حوزه‌های امنیتی، مبارزه با تروریسم و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای، نشان‌دهنده سطح بالای تعاملات سیاسی میان تهران و بغداد است. این سطح از همکاری سیاسی، فرصت مناسبی برای تبدیل روابط امنیت‌محور به همکاری‌های پایدار اقتصادی فراهم می‌کند. در چارچوب نظری وابستگی متقابل پیچیده، چنین تعاملاتی می‌تواند به افزایش هزینه‌های تعارض و در نتیجه تقویت همکاری‌های اقتصادی منجر شود. با این حال، تحقق این امر مستلزم تدوین راهبردی منسجم برای پیوند دادن اهداف سیاسی و اقتصادی در سیاست خارجی ایران است.

فرصت‌های اقتصادی و تجاری متقابل

از منظر اقتصادی، عراق یکی از مهم‌ترین بازارهای هدف برای صادرات غیرنفتی ایران در دهه اخیر بوده است. نیاز گسترده عراق به کالاهای مصرفی، مصالح ساختمانی، خدمات فنی و مهندسی و انرژی، فرصت‌های قابل توجهی برای حضور اقتصادی ایران فراهم کرده است. نزدیکی جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی و آشنایی مصرف‌کنندگان عراقی با محصولات ایرانی، مزیت رقابتی مهمی برای ایران در بازار عراق ایجاد کرده است. این فرصت‌ها به‌ویژه در شرایط تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران، اهمیت دوچندانی یافته و می‌تواند به‌عنوان یکی از ابزارهای کاهش فشارهای اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. با این حال، بهره‌برداری پایدار از این ظرفیت‌ها نیازمند برنامه‌ریزی بلندمدت و نهادسازی اقتصادی است (Baranay, 2009: 20). در کنار تجارت کالا، ظرفیت‌های قابل توجهی در حوزه سرمایه‌گذاری مشترک و همکاری‌های زیرساختی میان ایران و عراق وجود دارد. پروژه‌های بازسازی عراق در حوزه‌های انرژی، حمل‌ونقل، مسکن و صنعت، فرصت مناسبی برای مشارکت شرکت‌های ایرانی فراهم کرده است. این همکاری‌ها می‌تواند به ایجاد منافع مشترک بلندمدت و افزایش سطح وابستگی متقابل اقتصادی میان دو کشور منجر شود. نظریه وابستگی متقابل پیچیده بر این نکته تأکید دارد که سرمایه‌گذاری‌های مشترک، بیش از مبادلات کوتاه‌مدت تجاری، می‌تواند به تعمیق روابط سیاسی کمک کنند. از این رو، تمرکز بر پروژه‌های مشترک راهبردی می‌تواند یکی از مهم‌ترین فرصت‌های توسعه روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق تلقی شود.

پیوندهای اجتماعی، فرهنگی و مردمی

یکی از مهم‌ترین فرصت‌های توسعه روابط ایران و عراق، پیوندهای اجتماعی و مردمی میان دو کشور است که در قالب تعاملات مذهبی، فرهنگی و گردشگری نمود یافته است. حضور میلیونی زائران ایرانی در مراسم اربعین حسینی و سایر مناسبت‌های مذهبی، نماد بارز این پیوندهای اجتماعی است. این تعاملات مردمی، علاوه بر تقویت روابط فرهنگی، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه همکاری‌های اقتصادی در حوزه‌هایی همچون گردشگری، خدمات و حمل‌ونقل شود. سرمایه اجتماعی حاصل از این تعاملات، نقش مهمی در کاهش سوءتفاهم‌های سیاسی و افزایش اعتماد میان دو ملت ایفا می‌کند و می‌تواند به‌عنوان پشتوانه‌ای برای سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و سیاسی مورد استفاده قرار گیرد (پناهی، ۱۳۹۲: ۲۶). افزون بر این، گسترش تعاملات علمی، دانشگاهی و رسانه‌ای میان ایران و عراق، فرصت مناسبی برای تقویت درک متقابل و همگرایی اجتماعی فراهم کرده است. این پیوندها می‌توانند به شکل‌گیری شبکه‌ای از نخبگان و فعالان اقتصادی و فرهنگی منجر شوند که در بلندمدت نقش مهمی در توسعه روابط دوجانبه ایفا می‌کنند. در چارچوب نظری سازه‌انگاری، این تعاملات هویتی و اجتماعی می‌توانند بر رفتار سیاسی دولت‌ها تأثیرگذار باشند و زمینه را برای تعمیق همکاری‌های اقتصادی فراهم کنند (موسوی شفقایی، ۱۳۹۵: ۸). از این منظر، پیوندهای اجتماعی نه تنها مکمل روابط رسمی دولت‌ها، بلکه یکی از فرصت‌های کلیدی توسعه روابط سیاسی-اقتصادی محسوب می‌شوند.

ظرفیت‌های نهادی و منطقه‌ای برای همکاری بلندمدت

وجود نهادهای رسمی و سازوکارهای دوجانبه میان ایران و عراق، فرصت مناسبی برای ساماندهی و نهادینه‌سازی روابط سیاسی-اقتصادی فراهم کرده است. کمیسیون‌های مشترک اقتصادی، توافق‌نامه‌های همکاری و سازوکارهای مشورتی میان دو کشور، می‌تواند به کاهش موانع اجرایی و تسهیل همکاری‌های اقتصادی کمک کند. تقویت این نهادها و ارتقای کارآمدی آن‌ها، نقش مهمی در تبدیل تعاملات مقطعی به همکاری‌های پایدار دارد. از منظر دیپلماسی اقتصادی، نهادسازی یکی از الزامات اصلی توسعه روابط اقتصادی میان کشورها به شمار می‌رود. در سطح منطقه‌ای، همگرایی منافع ایران و عراق در برخی مسائل امنیتی و اقتصادی، فرصت مناسبی برای همکاری‌های چندجانبه فراهم کرده است. مشارکت در ابتکارات منطقه‌ای، همکاری در حوزه انرژی و حمل‌ونقل و هماهنگی در سازمان‌های منطقه‌ای، می‌تواند جایگاه دو کشور را در معادلات

منطقه‌ای تقویت کند. این همکاری‌ها می‌تواند به کاهش تأثیر فشارهای خارجی و افزایش استقلال عمل دو کشور در سیاست خارجی منجر شود. نظریه وابستگی متقابل پیچیده بر نقش نهادهای منطقه‌ای در مدیریت روابط میان دولت‌ها تأکید دارد و این امر در روابط ایران و عراق نیز قابل مشاهده است (UNCTAD, 2017).

چالش‌ها و موانع توسعه روابط سیاسی - اقتصادی ایران و عراق

در کنار فرصت‌های قابل توجهی که در بخش قبلی به آن‌ها اشاره شد، چالش‌های متعددی مسیر توسعه صادرات کالاها و خدمات ایران به عراق را محدود کرده است. بسیاری از این چالش‌ها، نه صرفاً محصول شرایط داخلی دو کشور، بلکه ناشی از فشار و مداخله بازیگران ثالث و به‌ویژه ایالات متحده آمریکا هستند. این فشارها شامل محدودیت‌های اقتصادی، سیاسی و امنیتی است که عملاً توان ایران را برای بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های اقتصادی خود در عراق کاهش داده است. به همین دلیل، شناخت دقیق این موانع و تحلیل ابعاد آن‌ها برای هرگونه راهبرد توسعه‌ای ضروری به نظر می‌رسد.

تأثیر تحریم‌ها بر روی روابط ایران و عراق

تحریم‌های اقتصادی علیه ایران تأثیر مستقیم و قابل توجهی بر سطح روابط اقتصادی با عراق داشته‌اند. هرچند در ابتدا مقامات عراقی با رایزنی‌های مداوم با طرف آمریکایی، حساسیت‌های موجود را به صورت واقع‌بینانه منتقل کردند و آمریکا عراق را تا حدی از محدودیت‌ها معاف نمود، اما این کشور متعهد شد که به مرور وابستگی خود به ایران را کاهش دهد. در نتیجه، عراق سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در تأمین گاز خانگی از منابع داخلی و ساخت نیروگاه‌های برق انجام داد و به دنبال جایگزین‌های متنوع برای واردات کالاهای اساسی رفت (ارغوانی و خسروی، ۱۳۹۹: ۱۱). با این حال، ایران توانست با بهره‌گیری از ظرفیت‌های فنی و مهندسی خود، همکاری‌هایی را با عراق آغاز کند. بر اساس قرارداد وزرای نفت دو کشور در سال ۱۳۹۵، ایران متعهد شد دانش فنی حوزه نفت و گاز را به عراق منتقل کند، در آموزش و تربیت مهندسين عراقی مشارکت نماید و در نظارت بر عملیات حفاری، کنترل فوران، سیمان‌کاری، اسیدکاری و سایر فرآیندهای فنی همکاری داشته باشد. همچنین، شرکت ملی حفاری ایران و شرکت الاصول الاعیان عراق در مرداد ۱۳۹۶ قراردادی برای حفاری و تعمیر چاه‌های نفت بصره و میدان زیبر امضا کردند. با این وجود،

خروج دونالد ترامپ از برجام در اردیبهشت ۱۳۹۷ تمامی این همکاری‌ها را در حاله‌ای از ابهام قرار داد و عراق با قرارداد با شرکت‌های چینی، ترک و اروپایی فعالیت‌های نفتی خود را بدون وقفه ادامه داد، که در نتیجه ایران از برداشت سهم خود در میداین مشترک محروم شد (ارغوانی و خسروی، ۱۳۹۹: ۱۹).

تحریم‌های حداکثری آمریکا تمرکز ویژه‌ای بر متحدان سنتی ایران و بازار نفت عراق داشت تا آن‌ها را مجبور به فاصله گرفتن از ایران کند. نفت کرکوک به عنوان غنی‌ترین منبع نفتی عراق، جایگزینی برای نفت ایران معرفی شد و حجم مبادلات تجاری عراق با ایران، که در اردیبهشت ۱۳۹۷ بالغ بر ۱۲ میلیارد دلار بود، تحت فشار آمریکا کاهش یافت. در نهایت، محدودیت‌های بانکی و مالی سبب شد که شرکت‌های ایرانی حتی در صورت علاقه، نتوانند عواید حاصل از معاملات با عراق را به کشور منتقل کنند و در نتیجه، تجار عراقی به تدریج ترجیح خود را تغییر دادند (بیری، ۱۳۹۸: ۸).

حضور آمریکا در عراق

حضور طولانی مدت نیروهای آمریکایی در عراق چالش جدی دیگری برای توسعه روابط ایران و عراق ایجاد کرده است. سیاست ایران در عراق همواره بر زمین‌گیر کردن حضور آمریکا و تحکیم نفوذ گروه‌ها و بازیگران سیاسی نزدیک به ایران متمرکز بوده است. گروه‌های شیعه مانند جماعته العلماء، حزب الدعوه الاسلامیه، سازمان عمل اسلامی، مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق، جمعیت صدر و سپاه مهدی و همچنین اتحادیه میهنی کردستان عراق، روابط نزدیک و اشتراکات فرهنگی و ایدئولوژیک قابل توجهی با جمهوری اسلامی دارند و ایران از ظرفیت این گروه‌ها برای کاهش نفوذ آمریکا و تقویت موقعیت خود استفاده کرده است (جمشیدی و محمدی، ۱۳۹۱: ۱۶). شهادت سردار حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس در عراق باعث تشدید تنش‌ها میان ایران و آمریکا شد و عراق را در وضعیت حساس و پیچیده‌ای قرار داد. در این شرایط، دیپلماسی اقتصادی فعال می‌تواند به تسهیل تجارت ایران با عراق کمک کند و عواید اقتصادی لازم را برای دو کشور تأمین نماید، اما فشارهای اقتصادی و نظامی آمریکا محدودیت‌های جدی بر این روابط اعمال کرده است.

با توجه به ساختار فدرال عراق، توسعه روابط اقتصادی ایران با برخی ایالات با چالش مواجه شده است. این ایالات، علی‌رغم معاهدات میان دو کشور، مانع اجرای توافقات شده و موجب

ایجاد خلل در جریان توسعه اقتصادی شده‌اند. در چنین شرایطی، حضور دیپلماسی فعال و توسعه‌گرا برای شناسایی موانع، حل اختلافات و تضمین اجرای توافقات ضروری است. به این ترتیب، برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای جمهوری اسلامی ایران در منطقه و تقویت نقش اقتصادی خود در عراق، تعامل مستمر با ساختار سیاسی و نهادی عراق و توجه به فشارهای بازیگران خارجی حیاتی است.

حضور اسرائیل، ترکیه و عربستان در عراق و تأثیر آن بر روابط ایران

حضور اسرائیل در اقلیم کردستان عراق به منظور ایجاد بازدارندگی سیاسی، اقتصادی و نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران است. این کشور با حمایت از گروه‌های کرد و تقویت موقعیت آن‌ها، تلاش می‌کند جبهه اعراب مخالف خود را تضعیف کرده و از طریق ایجاد شکاف میان همسایگان ایران و عراق، منافع خود را تأمین نماید. تاریخچه این سیاست به جنگ ایران و عراق بازمی‌گردد که اسرائیل از اختلافات میان دو کشور برای تأمین امنیت و منافع خود بهره گرفت (ساوه درودی و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۱). یکی از ابزارهای اسرائیل در کردستان، کنترل منابع نفتی و حضور اقتصادی در بخش‌های حیاتی مانند انرژی، ارتباطات، جاده‌سازی و ساخت پل است. نمونه‌های مشخص این حضور، قراردادهای احداث فرودگاه بین‌المللی اربیل و فعالیت شرکت‌هایی مانند موتورولا و موگال کام در اقلیم کردستان است. این فعالیت‌ها به طور مستقیم حضور ایران در حوزه انرژی و زیرساخت‌های اقتصادی منطقه را محدود کرده و بازار بزرگی را که می‌توانست برای ایران مفید باشد، در اختیار اسرائیل قرار می‌دهد.

حضور اقتصادی ترکیه در عراق

با به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، سیاست خارجی ترکیه تحت عنوان نگاه به شرق و نوع‌ثمنی‌گری تقویت شد و اهمیت منطقه خاورمیانه برای آن‌ها افزایش یافت. ترکیه با هدف کسب منفعت اقتصادی و کاهش وابستگی به نفت و گاز ایران و روسیه، حضور گسترده‌ای در عراق ایجاد کرده است (دانش نیا و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۱). در سال‌های اخیر حجم تجارت خارجی ترکیه و عراق به ۲۰-۸۶ میلیارد دلار رسید که سهم صادرات ترکیه بیش از ۱۶ میلیارد دلار بوده است. ایران با وجود اشتراکات فرهنگی و مذهبی منحصر به فرد با عراق، در مقایسه با ترکیه از این ظرفیت‌ها عقب مانده است. ترکیه صادرات گسترده‌ای شامل لوازم خانگی، پوشاک، مواد غذایی، ماشین‌آلات صنعتی و محصولات آهن‌آلات به عراق دارد و بیش از ۱۳۰۰ شرکت ترک در

حوزه‌های مختلف مشغول فعالیت هستند. ترکیه علاوه بر تجارت، در گردشگری، آموزش پیش‌مرگه‌های کرد و بازسازی و توسعه عراق نیز فعال است. بخش زیادی از قراردادهای انرژی و منابع نفتی با اقلیم کردستان منعقد شده که نگرانی‌های دولت شیعی عراق را افزایش داده و حضور اقتصادی ایران را محدود می‌کند.

تقابل ایران و عربستان در عراق

عربستان سعودی نیز به عنوان یکی دیگر از بازیگران بزرگ منطقه، مانعی بر سر راه توسعه روابط ایران با عراق است. دلایل اهمیت عراق برای عربستان شامل مرز طولانی با این کشور، پتانسیل تبدیل عراق به یک قدرت منطقه‌ای و وجود نظام دموکراتیک است که می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای عربی شود. رژیم وهابیت عربستان، با تأکید بر ضدیت با شیعیان، روابط ایران و عراق را تهدیدی برای امنیت و منافع خود می‌داند (سلطانی نژاد و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۰). عربستان همواره تلاش کرده از بازگشت عراق به دوران اوج و تقویت نقش شیعی آن جلوگیری کند، زیرا این امر می‌تواند محور شیعی در منطقه به رهبری ایران را تقویت کرده و جایگاه عربستان را در خاورمیانه تضعیف نماید. این کشور از طریق سیاست‌های اقتصادی، فرهنگی و حتی حمایت از گروه‌های مخالف، حضور ایران را در عراق محدود می‌کند و توسعه روابط اقتصادی ایران با عراق را با چالش جدی مواجه ساخته است.

ارزیابی نهایی فرصت‌ها و موانع و الزامات ارتقای روابط ایران و عراق

ارزیابی نهایی روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق نشان می‌دهد که این روابط در دهه اخیر در بستری پیچیده از فرصت‌های ساختاری و محدودیت‌های چندلایه شکل گرفته است. از یک‌سو، اشتراکات تاریخی، فرهنگی، مذهبی و ژئوپلیتیکی، ظرفیت‌های کم‌نظیری را برای تعمیق همکاری‌های دوجانبه فراهم کرده و از سوی دیگر، مجموعه‌ای از موانع داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مانع از بالفعل شدن کامل این ظرفیت‌ها شده است. عراق به‌عنوان یکی از مهم‌ترین همسایگان ایران و یکی از اصلی‌ترین بازارهای هدف صادراتی، نقش تعیین‌کننده‌ای در راهبرد توسعه‌محور سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ایفا می‌کند. با این حال، روابط دو کشور همچنان از عدم توازن میان ظرفیت بالقوه و دستاوردهای بالفعل رنج می‌برد. این شکاف را باید در نبود یک چارچوب منسجم دیپلماسی اقتصادی، ضعف در هماهنگی نهادی و تأثیرگذاری

متغیرهای فرامنطقه‌ای جست‌وجو کرد؛ عواملی که سبب شده‌اند روابط ایران و عراق بیشتر تابع شرایط مقطعی و امنیتی باشد تا یک راهبرد بلندمدت توسعه‌گرا (Bayne). در بُعد فرصت‌ها، عراق به دلیل نیاز گسترده به بازسازی زیرساخت‌ها، واردات کالاهای اساسی، خدمات فنی و مهندسی، انرژی و سرمایه‌گذاری خارجی، یکی از مستعدترین مقاصد اقتصادی برای ایران محسوب می‌شود. موقعیت جغرافیایی مشترک، مرز زمینی طولانی، هزینه پایین حمل‌ونقل و پیوندهای اجتماعی میان دو ملت، مزیت‌های رقابتی مهمی را در اختیار ایران قرار داده است که کمتر کشوری از آن برخوردار است. افزون بر این، وابستگی عراق به واردات انرژی، برق و گاز، جایگاه ایران را به‌عنوان بازیگری کلیدی در تأمین امنیت انرژی این کشور تثبیت کرده است. حضور گسترده زائران، تعاملات مذهبی و گردشگری سلامت نیز ظرفیت‌هایی هستند که می‌توانند به توسعه پیوندهای اقتصادی پایدار منجر شوند. با این حال، بهره‌برداری از این فرصت‌ها مستلزم عبور از نگاه صرفاً سیاسی یا امنیتی به عراق و حرکت به سمت رویکردی مبتنی بر منافع اقتصادی بلندمدت است؛ رویکردی که تاکنون به‌طور کامل در سیاست‌گذاری ایران نهادینه نشده است.

در مقابل، موانع توسعه روابط ایران و عراق را باید در سه سطح درهم‌تنیده تحلیل کرد. در سطح داخلی، فقدان انسجام نهادی در سیاست‌گذاری اقتصادی، ناهماهنگی میان دستگاه‌های اجرایی، ضعف نظام بانکی و مالی، و نبود راهبرد مشخص صادراتی، از مهم‌ترین موانعی هستند که توان رقابت ایران را در بازار عراق کاهش داده‌اند. تغییرات مکرر مقررات تجاری، مشکلات انتقال پول، ضعف در بسته‌بندی، استانداردهای و خدمات پس از فروش کالاهای ایرانی نیز باعث شده‌اند که بخشی از بازار عراق به تدریج در اختیار رقبای منطقه‌ای قرار گیرد. این در حالی است که بخش خصوصی ایران، علی‌رغم ظرفیت‌های قابل توجه، از حمایت نهادی و سیاستی کافی برخوردار نیست و همین مسئله موجب شده حضور اقتصادی ایران در عراق بیشتر متکی بر روابط سنتی و غیرسازمان‌یافته باقی بماند.

در سطح منطقه‌ای، رقابت فزاینده بازیگران منطقه‌ای نظیر ترکیه، عربستان سعودی و امارات متحده عربی، چالش جدی برای نفوذ اقتصادی ایران در عراق ایجاد کرده است. این کشورها با بهره‌گیری از دیپلماسی اقتصادی فعال، سرمایه‌گذاری هدفمند و استفاده از ابزارهای مالی و بانکی کارآمد، توانسته‌اند جایگاه خود را در اقتصاد عراق تقویت کنند. در مقابل، ایران غالباً با محدودیت منابع مالی، ضعف در ابزارهای تشویقی و نگاه امنیت‌محور به عراق، نتوانسته است رقابت مؤثری با

این بازیگران داشته باشد. افزون بر این، تحولات سیاسی داخلی عراق، شکاف‌های قومی-مذهبی و رقابت میان جریان‌های سیاسی این کشور نیز باعث ناپایداری محیط تصمیم‌گیری شده و امکان برنامه‌ریزی بلندمدت اقتصادی را برای ایران دشوار ساخته است.

در سطح بین‌المللی، تحریم‌های اقتصادی و مالی ایالات متحده علیه ایران مهم‌ترین عامل محدودکننده توسعه روابط اقتصادی با عراق به‌شمار می‌رود. این تحریم‌ها نه تنها امکان تعامل بانکی و مالی رسمی را کاهش داده‌اند، بلکه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران عراقی را نیز در همکاری با ایران با ریسک‌های جدی مواجه ساخته‌اند. فشارهای سیاسی آمریکا بر دولت عراق برای کاهش وابستگی اقتصادی به ایران، به‌ویژه در حوزه انرژی، نمونه بارزی از تأثیر متغیرهای فرامنطقه‌ای بر روابط دوجانبه است. در چنین شرایطی، روابط ایران و عراق بیش از آنکه تابع اراده دو دولت باشد، تحت تأثیر موازنه قدرت در نظام بین‌الملل قرار گرفته و این امر ضرورت بازتعریف راهبردهای ایران در تعامل با عراق را دوچندان می‌کند.

با توجه به مجموعه فرصت‌ها و موانع موجود، ارتقای روابط ایران و عراق مستلزم تحقق الزامات راهبردی مشخصی است. نخست، نهادینه‌سازی دیپلماسی اقتصادی به‌عنوان محور اصلی سیاست خارجی ایران در قبال عراق ضروری است؛ به‌گونه‌ای که منافع اقتصادی بلندمدت جایگزین رویکردهای مقطعی و واکنشی شود. دوم، اصلاح ساختارهای نهادی داخلی، تقویت نقش بخش خصوصی، ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین و توسعه توافقات پولی دوجانبه می‌تواند بخشی از محدودیت‌های تحریمی را کاهش دهد. سوم، ایران نیازمند تدوین یک نقشه راه جامع برای حضور پایدار در بازار عراق است که در آن، مزیت‌های رقابتی، حوزه‌های اولویت‌دار و ابزارهای حمایتی به‌روشنی مشخص شده باشد.

نتیجه‌گیری

روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق در دهه اخیر در بستری چندلایه و متأثر از تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی شکل گرفته است؛ روابطی که از حیث ظرفیت‌های بالقوه، یکی از راهبردی‌ترین پیوندهای دوجانبه جمهوری اسلامی ایران در محیط پیرامونی محسوب می‌شود، اما در عمل نتوانسته است به سطحی متناسب با این ظرفیت‌ها ارتقا یابد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که شکاف معناداری میان فرصت‌های موجود و میزان بهره‌برداری واقعی ایران از آن‌ها

وجود دارد؛ شکافی که بیش از هر چیز ناشی از ضعف‌های ساختاری در دیپلماسی اقتصادی، ناهماهنگی نهادی و غلبه نگاه امنیت‌محور بر رویکرد توسعه‌محور در سیاست خارجی ایران در قبال عراق است. در بُعد فرصت‌ها، اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی، مرزهای طولانی زمینی، وابستگی متقابل اقتصادی، نیازهای گسترده عراق به واردات انرژی، کالا و خدمات فنی و مهندسی، و همچنین نقش ایران در تأمین امنیت عراق در مقاطع بحرانی، زمینه‌های مساعدی را برای تعمیق روابط دوجانبه فراهم کرده است. این عوامل، عراق را به یکی از مهم‌ترین شرکای بالقوه اقتصادی ایران تبدیل کرده‌اند و امکان شکل‌گیری یک الگوی همکاری راهبردی را در حوزه‌های انرژی، تجارت، سرمایه‌گذاری و بازسازی زیرساخت‌ها فراهم می‌سازند. با این حال، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بهره‌گیری از این فرصت‌ها عمدتاً مقطعی، واکنشی و فاقد انسجام راهبردی بوده و به همین دلیل، نتوانسته به تثبیت جایگاه پایدار ایران در اقتصاد عراق منجر شود.

در مقابل، موانع توسعه روابط ایران و عراق در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی قابل تحلیل است. در سطح داخلی، ضعف نظام تصمیم‌گیری اقتصادی، فقدان سیاست صادراتی هدفمند، مشکلات ساختاری نظام بانکی و مالی، ناهماهنگی میان نهادهای متولی و عدم حمایت مؤثر از بخش خصوصی، از مهم‌ترین عواملی هستند که توان رقابتی ایران را در بازار عراق کاهش داده‌اند. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای ایران با بهره‌گیری از سازوکارهای نهادی کارآمد، سرمایه‌گذاری هدفمند و دیپلماسی اقتصادی فعال، نتوانسته‌اند جایگاه خود را در عراق تقویت کنند و سهم ایران از بازار این کشور را به چالش بکشند. در سطح منطقه‌ای، رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و تغییر موازنه‌های سیاسی در عراق، محیطی پیچیده و ناپایدار برای گسترش روابط ایران ایجاد کرده است. عراق به‌عنوان عرصه تلاقی منافع بازیگران متعدد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای، به‌شدت تحت تأثیر فشارها و رقابت‌های ژئوپلیتیکی قرار دارد و این امر موجب شده است که روابط اقتصادی ایران با عراق همواره در معرض نوسانات سیاسی قرار گیرد. در سطح بین‌المللی نیز تحریم‌های اقتصادی و مالی علیه ایران، محدودیت‌های جدی در تعاملات بانکی، سرمایه‌گذاری و تجارت رسمی ایجاد کرده و عملاً بخش مهمی از ظرفیت‌های اقتصادی روابط دوجانبه را بلااستفاده گذاشته است.

برآیند تحلیل‌ها نشان می‌دهد که ارتقای روابط سیاسی-اقتصادی ایران و عراق بیش از هر چیز مستلزم بازتعریف رویکرد ایران در قبال این کشور است. گذار از سیاست‌گذاری واکنشی و

کوتاه‌مدت به سمت سیاست‌گذاری راهبردی و توسعه‌محور، نهادینه‌سازی دیپلماسی اقتصادی، تقویت هماهنگی نهادی، و ایجاد سازوکارهای مالی جایگزین برای کاهش اثر تحریم‌ها، از الزامات اساسی در این مسیر به‌شمار می‌روند. بدون تحقق این الزامات، حتی وجود گسترده‌ترین فرصت‌های اقتصادی نیز نمی‌تواند به ارتقای پایدار روابط دوجانبه منجر شود. در نهایت، این پژوهش به این نتیجه می‌رسد که آینده روابط ایران و عراق نه صرفاً به میزان اشتراکات سیاسی و امنیتی، بلکه به توانایی ایران در تبدیل این اشتراکات به منافع اقتصادی ملموس و پایدار وابسته است. تحقق چنین امری مستلزم اراده سیاسی پایدار، اصلاحات ساختاری در سیاست خارجی اقتصادی و بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای است. در صورت تحقق این شرایط، روابط ایران و عراق می‌تواند از سطح همکاری‌های محدود و ناپایدار فراتر رفته و به الگویی از مشارکت راهبردی در چارچوب نظم منطقه‌ای نوین تبدیل شود.

منابع

- اصلاحی، رضا (۱۳۹۹). تأثیر اشغال عراق توسط آمریکا بر روابط اقتصادی ایران و عراق، مطالعات خاورمیانه، ۱۱-۱۷.
- بیری، آلن (۱۳۹۸). تأثیر تحریم‌ها بر روابط اقتصادی ایران و عراق، تهران: مؤسسه مطالعات بین‌المللی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا، و بهرام فرجی (۱۳۹۳). تأثیر ژئوپلیتیک انرژی بر شکل‌گیری ترتیبات امنیت منطقه‌ای: مطالعه موردی منطقه خلیج فارس از ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰، آفاق امنیت، ۶(۲۴).
- حیدری، محمد، و سهراب انعامی علمداری (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، علوم سیاسی، ۵(۲۰).
- دامن‌پاک جامی، مرتضی (۱۳۸۸). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، و مختار صالحی (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌ها و شاخص‌ها، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۷(۵۲).
- دهقانی، فیروزآبادی، و مختار صالحی (۱۳۹۱). دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران: زمینه‌ها و شاخص‌ها، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۷(۵۲).
- ذوالفقاری، وحید، و علی‌اکبر جعفری (۱۳۹۵). سامانه منطقه‌ای اکو: متحدان تاکتیکی و مصلحت‌گرا یا رقبای استراتژیک و منفعت‌گرا، راهبرد، ۲۵(۷۸).
- رشنو، نبی‌الله (۱۳۹۲). بازنمایی تأثیرات راهبردی ژئوپلیتیک و دیپلماسی اقتصادی بر تعمیق مناسبات منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در جنوب غرب آسیا همایش ملی ژئوپلیتیک جنوب غرب آسیا.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۲۴/۹/۱۳۹۵). اخبار صنعت معدن و بازرگانی با موضوع دو اهرم سرمایه: مصاحبه با بهروز هادی زنوز، ۳۹۳۳.
- ریچاردز، آلن (۱۳۷۸). بحران مالی جهانی و اصلاحات اقتصادی در خاورمیانه (ترجمه پرویز کریمی ناصری). مطالعات خاورمیانه، ۵(۱۸).
- سمیعی‌نسب، مصطفی (۱۳۹۴). دیپلماسی اقتصادی: راهبرد مقابله با تحریم‌های اقتصادی در منظومه اقتصاد مقاومتی، آفاق امنیت، ۷(۲۵).
- معاونت سیاست خارجی و روابط بین‌الملل (۱۳۸۲). دیپلماسی اقتصادی و جهانی شدن، راهبرد، ۲۷.
- موسوی شفاپی، مسعود، و همت ایمانی (۱۳۹۶). دیپلماسی اقتصادی: رهیافتی برای افزایش قدرت ملی ایران، راهبرد، ۳۶(۸۴).

نشریه پاسدار اسلام (۱۳۹۸). پیامدهای ترور حاج قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس بر روابط اقتصادی ایران و عراق، ۲۱-۲۲.

یعقوبی منظری، پریسا (۱۳۸۹). مقایسه تطبیقی وضعیت اقتصادی ایران با کشورهای منطقه (با تکیه بر اطلاعات بانک جهانی). بررسی‌های بازرگانی، ۴۴.

Baranay, Pavol. (2009). Modern economic diplomacy. Publications of Diplomatic Economic Club. Retrieved September 18, 2018, from http://www.dec.lv/mi/Baranay_Pavol_engl.pdf

Bayne, Nicholas, & Woolcock, Stephen. (2007). The new economic diplomacy. Aldershot: Ashgate.

Busse, Matthias, & Hefeker, Carsten. (2007). Political risk, institutions and foreign direct investment. *European Journal of Political Economy*, 23, 397-415.

SIPRI. (2017). Trends in international arms transfers, 2016. SIPRI Fact Sheet, February. Retrieved February 9, 2018, from <https://www.sipri.org/sites/default/files/Trends-in-international-arms-transfers-2016.pdf>

UNCTAD. (2017). World investment report 2017. Retrieved February 7, 2018, from http://unctad.org/en/PublicationsLibrary/wir2017_en.pdf

World Bank. (2016). Foreign direct investment, net inflows (BoP, current US\$). Retrieved February 5, 2018, from <https://data.worldbank.org/indicator/BX.KLT.DINV.CD.WD>